

روزنه

ارزیابی شتاب‌زده کارنامه ظریف



عباس ملکی*

● بررسی کارنامه فعالیت‌های وزیر امور خارجه، جناب آقای دکتر محمدجواد ظریف، به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. او یکی از موفق‌ترین وزرای خارجه ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی است. محیط خارجی کشور معجونی از فرصت‌ها و تهدیدهاست که هرکدام به تحلیلی جداگانه نیاز دارد. برآمدن دولت روحانی از لحاظ وضعیت داخلی نیز قوت‌های جامعه ایران را نسبتاً بالفعل کرد و نقاط ضعف را در معرض دید جامع قرار داد. می‌توان برای سهولت کار، فعالیت‌های ظریف را از سه منظر ارزیابی کرد: ساختاری، فرایندی و رفتاری. در ادامه در باب هر یک جداگانه بحث می‌کنم. از منظر ساختاری؛ ساختار سازمان نوعی ابزار مدیریتی برای اجرای استراتژی‌ها و تحقق اهداف است. از لحاظ ساختاری، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران از گذشته دارای یک ساختار نسبتاً کوچک و کارا بوده است. برخلاف نظر برخی که فکر می‌کنند جمعیتی حدود چهار هزار نفر برای دستگاه دیپلماسی کشوری که چشم‌انداز، مأموریت و اهداف منطقه‌ای و جهانی دارد، زیاد است، به نظر من، تعداد کارکنان وزارت امور خارجه در سطح کمینه قرار دارد. اگر علاوه بر مأموریت‌های سنتی وزارت خارجه- مانند حفظ و ارتقای روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با دیگر کشورها و تعامل فعال با نهادهای بین‌المللی- مشارکت در حل بحران‌های منطقه‌ای، دیپلماسی عمومی و ارتباط با ایرانیان خارج از کشور را به وظایف این وزارتخانه بیفزایم، به نظر من، وزارت خارجه نیازمند نیروی انسانی مناسب، با شماری بیشتر از تعداد کنونی است. اشکال آن است که ظریف هم‌اکنون نمی‌تواند از همه ظرفیت کارکنان وزارت خارجه استفاده کند. بنابراین، هرگونه تحول در ساختار وزارت خارجه باید با نظرداشت به منافع کشور در درازمدت طراحی شود. شنیده می‌شود که وزارت خارجه طرحی برای تغییر نظام سازمانی از سلسله‌مراتبی فعلی به میزمحوری دارد. به این معنا که برای هر کشور یا موضوع، میزی در نظر گرفته شود و هر میز که متشکل از کارشناسان متعدد است، مستقیماً به مدیر کل گزارش دهد. در علم مدیریت، درباره این مطلب بحث می‌شود که هر فرد، به طور مستقیم، می‌تواند بین سه تا پنج نفر را مدیریت کند. بنابراین، چرا ظریف می‌خواهد بخش میانی نظام سازمانی وزارت خارجه یعنی مدیران ادارات را حذف کند؟ چرا نظام تصمیم‌گیری وزارت خارجه را با بحران روبه‌رو کنیم؟ به نظر من، یکی از دلایل این تغییر به مسائل رفتاری ظریف بازمی‌گردد. از منظر فرایندی؛ فرایندها همواره در سازمان وجود دارند. فرایند آن دسته از وظایف است که با هم نتیجه یا ارزش موردنظر سازمان را فراهم می‌کند. در فرایندمحوری نتیجه کار اهمیت دارد، نه اجزای تشکیل‌دهنده آن. روش‌های متعددی در سیاست خارجی معطوف به هدف وجود دارد. از جمله آنها مذاکره است. ظریف در مذاکره قوی است و تکنیک‌های آن را خوب می‌داند. روش دیگر استفاده از ذات دیپلماسی، یعنی اعزام نماینده به واحدهای سیاسی اعم از کشور و سازمان بین‌المللی و آژانس تخصصی است. در اینجا باید کمی تأمل کرد. چنین پرسش‌هایی به ذهن خطور می‌کند: چرا در دو سال اخیر از امتیاز داشتن یک سفیر در پایتخت سوئیس استفاده نشده است؟ چرا هفت ماه است نماینده کشورمان در پایتخت بلغارستان حضور ندارد؟ قانون مقررات تشکیلاتی انضباطی وزارت خارجه- که در حقیقت اساسنامه این وزارتخانه است- به‌درستی، سقف حضور سفیر را در کشوری دیگر چهار سال برمی‌شمارد. چرا این ضابطه را دور بزنیم؟ چرا سفیر کنونی ما در پاریس برای بار سوم به این شهر اعزام شده است؟ و ناواری و ابتکار و ابتده‌نگری چه می‌شود؟ تشریفات از دیگر فرایندهای دیپلماسی است. تشریفات مقدمه ورود و دست‌زدن به هرگونه حرکت اجتماعی است. ارتباط نمایندگان دیگر کشورها با جامعه ایران و به‌ویژه با مراکز علمی، هنری، ادبی و فناوریانه اگر به‌درستی مدیریت شود، به سود کشور است. ما چه اندازه از این فرصت استفاده کرده‌ایم؟

از منظر رفتاری؛ بخش سوم بحث من به تحلیل رفتاری ظریف بازمی‌گردد. این بخش از تحلیل نیازمند استفاده از نظریه‌های مطبوف به علوم شناختی و به‌خصوص روان‌شناسی سیاسی است.

تردیدی نیست که هر انسان مجموعه‌ای است از احساسات، عواطف، هنجارها و ایستارها. این‌گونه

عناصر را به‌آسانی نمی‌توان تغییر داد. در مجموع،

شاکله ذهنی و روحی ظریف این‌گونه است که عمدتاً به توانایی‌های خود تکیه می‌کند. این‌گونه افراد تا دهشتان فرایند یک فعالیت را تأیید نکنند، به کار دیگران اعتماد نمی‌کنند. این وسواس تا آنجا پیش می‌رود که متن توافق‌ات را خودشان تهیه و حتی حروف‌چینی می‌کنند. هم‌زمان ظریف مایل است که با کمترین تعداد سطوح سازمانی درگیر شود. برای او مطلوب‌ترین کار آن است که اگر مجبور شد با کسی کار کند؛ تنها و تنها با کارشناسان تعامل کند. یعنی وجود مدیران میانی و مشاوران را زائد می‌داند.

ادامه در صفحه ۱۹



امیرعلی ابوالفتح

کارشناس مسائل آمریکا

در میان وزارتخانه‌های دولت یازدهم، یکی از موفق‌ترین و پردستاوردترین وزارتخانه، وزارت امور خارجه بوده است. این وزارتخانه به ریاست محمدجواد ظریف در حالی اداره امور را از دولت قبلی تحویل گرفت که جمهوری اسلامی ایران سخت‌ترین دوران انزواي خود را پس از پیروزی انقلاب اسلامی تجربه می‌کرد. این انزوا در تشدید فعالیت‌های ایران‌هراسانه غرب به رهبری ایالات متحده و متأثر از سیاست‌های هسته‌ای ایران ایجاد

«محمدجواد ظریف»، وزیر امور خارجه، بیشتر وقت خود در چهار سال گذشته را صرف به‌تمررساندن مذاکرات هسته‌ای کرد و با وجود چالش‌های داخلی بسیار توانست در این عرصه موفق باشد. اقلیت تندرو در مجلس نهم بارها و بارها تلاش کردند با طرح سؤال و انتقادهای تند، زمینه استیضاح او را فراهم کنند.

توییت‌هایش، نزاع اعراب و اسرائیل، امضای توافق‌نامه ژنو، برقراری رابطه با آمریکا، سفر به فرانسه و قدم‌زدن با جان کری، ازجمله مواردی بود که ظیف پایداری از آن انتقاد کردند. بعد از انتخابات مجلس کمی از تنش‌ها میان ظریف و نمایندگان کاسته شد؛ اما هنوز هم حرف‌های محرمانه در جلسه کمیسیون امنیت ملی به بیرون درز می‌کرد و دردسرساز می‌شد. برخی از مجلس نمی‌ها که دیگر نماینده نیستند به شیوه سابق از همه کارهای ظریف حتی تغییر مدیران اِبراد می‌گیرند و گاهی نیز برخی از مخالفان دولت با بیان ادعاهایی عجیب مانند اینکه ظریف تعهد داده سردار سلیمانی را به آمریکا تحویل دهد، او را به واکنش وامی‌دارند. به‌رحال این نگاه و رویکرد در مجلس دهم عمومیت ندارد و بسیاری از نمایندگان با نگاهی منصفانه دوران وزارت ظریف را ارزیابی می‌کنند. سیدمحسن علوی، دبیر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، یکی از این افراد است که در گفت‌وگو با «شرق» گفت: «آقای ظریف چهره تکنوکرات و در امور بین‌المللی متخصص است و عملکرد چهارساله او از ارتقای

وزیر ۵۵‌روزه



کریم سنجابی، دبیرکل جبهه ملی و نخستین وزیر خارجه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که تنها ۵۵ روز این سمت را بر عهده داشت و استعفا داد. رسانه‌های آن روز سفر چندروزه‌اش در نوروز ۵۸ را دست‌مایه انتقاد به او کرده بودند اما این انتقادات دلیل استعفای او نبود. اختلافات سنجابی و بازارگان به اضافه اعتراض وی به اداره سفارت ایران- از سوی شهربار روحانی و جاری و خارج از اراده وزارت خارجه در تهران- باعث شد او استعفا دهد و ابراهیم یزدی، دومین وزیر خارجه دولت موفق شد.

از استعفا تا عزل و اعدام



دوران وزارت ابراهیم یزدی به واسطه مهم‌ترین رویداد آن دوران یعنی تسخیر سفارت آمریکا بسیار پرچالش بود. چالشی که از ملاقات و مذاکره او با برژنسکی، مشاور امنیت ملی کاخ سفید آغاز شد. ملاقاتی هم‌زمان با زمزمه‌های سفر شاه از مکزیک به آمریکا. به‌این‌ترتیب وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز با استعفا پایان یافت. ناگفته نماند که رهبران نهضت آزادی بارها گفته‌اند استعفای دولت موقت به‌دلیل واقعه ۱۳ آبان نبود بلکه در این تاریخ استعفای دولت پذیرفته شد. پس از استعفای دولت، اداره امور به شورای انقلاب سپرده شد. ابوالحسن بنی‌صدر نیز سرپرستی وزارت خارجه را (۱۸ آبان ۵۸ تا ۸ آذر ۵۸) بر عهده داشت.



دومین وزیر خارجه دولت شورای انقلاب، صادق قطب‌زاده و مهم‌ترین اقدام دوران وزارتش شایعه بازپس‌گرفتن هواپیمای حامل شاه از پاناما برای پایان ماجرای گروگان‌ها بود. اصل قضیه و نگه‌داشتن هواپیمای حامل شاه برای چند ساعت درست بود اما قطب‌زاده قصد استفاده تبلیغاتی داشت تا در کارزار انتخابات در قعر جدول قرار بگیرد. بااین‌حال وزیر خارجه باقی ماند و در دولت شهید رجایی، مأموریت او پایان یافت. دو سال بعد به اتهام طراحی کودتا علیه جمهوری اسلامی و قصد جان امام (ره) با حکم رئیس دادگاه انقلاب ارتش، در ۲۲ شهریور ۱۳۶۱ اعدام شد. بعد از قطب‌زاده، محمدکریم خدائاهی و محمدعلی رجایی، سرپرست این وزارتخانه شدند و سپس میرحسین موسوی برای چند ماه وزیر خارجه بود.

دیپلماسی

میراثی که ساده از بین نمی‌رود

شده بود؛ گرچه در آن زمان، مقامات ارشد نظام و دولت وقت بارها بر صلح‌آمیزبودن این برنامه‌ها تأکید داشتند؛ بااین‌حال دستگاه دیپلماسی در دولت وقت با قادر به ارائه توضیحات مناسب به طرف‌های خارجی برای برنامه‌های هسته‌ای ایران نبود یا اینکه ادله‌های مطرح‌شده بنا بر دلایل دیگر، در غرب شنیده نمی‌شد.

این وضعیت سبب شد تا تیم جدید دیپلماسی در دولت یازدهم، با هدایت و راهنمایی مقامات ارشد نظام مسیر جدیدی را برای حل مهم‌ترین و فوری‌ترین تهدید امنیتی کشور بپایند. راه برای این تیم زمانی باز شد که رئیس‌جمهوری ایران و رئیس‌جمهوری آمریکا در سفر حسن روحانی به نیویورک در اقدامی بی‌سابقه با یکدیگر تلفنی

صحبت کردند. در پی این رویداد تعیین‌کننده، برای نخستین بار محمدجواد ظریف و جان کری، همتای آمریکایی وی، پای میز مذاکره نشستند تا برای آنچه ایران آن را حق مسلم هسته‌ای می‌نامید و آمریکا از آن به‌عنوان تهدید امنیتی یاد می‌کرد، فصل مشترکی بیابند.

گذشت قریب به دو سال مذاکرات فشرده، طولانی و نفس‌گیر میان ایران و گروه ۵+۱ نشان داد که توانایی وزارت امور خارجه در بسیج همه امکانات برای تأمین حداکثر منافع ایران در حد مقبولی بوده است. مسلماً اگر فردی با ویژگی‌های شخصیتی و توانایی‌های حرفه‌ای مانند ظریف بر مسند ریاست بر وزارت امور خارجه تکیه زده بود، کسب دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در



وزیر از نگاه بهارستان

عملکرد وزارت امور خارجه و شخص آقای ظریف را درمجموع مثبت ارزیابی کرد و گفت: «البته درون این وزارتخانه نیاز به ایجاد تغییراتی احساس می‌شود؛ برای مثل با توجه به شرایط اقتصادی امروز علاوه بر توجه و تمرکز به سرمایه داخلی، به جذب سرمایه خارجی نیازمندیم و وزارت امور خارجه می‌تواند با تعریف یک سازمان کارآمد در این زمینه وارد عمل شود».

کمال دهقانی‌فیروزآبادی، نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی نیز از عملکرد ظریف

چنین زورآزمایی بین‌المللی متفاوت بود. البته همین وزارتخانه نارسایی‌ها، ناکارآمدی‌ها و ناتوانی‌هایی نیز داشته است؛ به‌عنوان مثال، وزارت امور خارجه نتوانست با مدیریت صحیح، از وخیم‌ترشدن روابط ایران با همسایگان عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس جلوگیری به عمل آورد یا روند ایران‌هراسی را متوقف کند. بااین‌حال، می‌توان انتظار داشت که در دولت دوازدهم، تغییرات در رأس وزارت امور خارجه با تغییرات کمتری در مقایسه با دیگر وزارتخانه‌ها انجام گیرد. حتی اگر هم محمدجواد ظریف به هر دلیلی از ادامه راه منصرف نشود یا حتی کنار گذاشته شود، به نظر نمی‌رسد میراث وی برای مدت‌ها در این وزارتخانه مهم و کلیدی از بین برود.

و وزارت امور خارجه در دولت یازدهم ارزیابی مثبتی داشت و گفت: «ظریف بدون شک بهترین دیپلمات وزارت امور خارجه و بسیار حرفه‌ای است. کار را از مرحله صفر در وزارت خارجه آغاز کرده و بعد از تجربه‌اندوزی در لایه‌های مختلف مدیریتی به وزارت رسیده است. به‌اضافه اینکه درباره منافع ملی و مبانی انقلاب بسیار باغیرت و درعین‌حال انسانی اخلاق‌مدار و متواضع است. او معاونان خوبی انتخاب کرده و درمجموع تیم مدیریتی خوبی دارد».

او با بیان اینکه «ساختار وزارت امور خارجه نیازمند تغییراتی است»، گفت: «باید به ظریف در این زمینه کمک کرد». دهقانی‌فیروزآبادی افزود: «ظریف ایده‌های خوبی در این زمینه دارد و اگر بداند که همه دستگاه‌ها به او کمک می‌کنند، می‌تواند وزارت امور خارجه را ارتقا دهد. توجه داشته باشید همان‌طوره که تقویت بنیه دفاعی وزارت امور خارجه ضرورت دارد، تقویت بنیه وزارت امور خارجه نیز مهم است. باید با دیپلمات‌های کشورمان در حد دیپلمات رفتار شود و به وضعیت سفرا، کنسول‌ها و... که در خارج از کشور در حال مأموریت هستند رسیدگی کرد. آنها نقش مهمی در دفاع از حقوق جمهوری اسلامی و کسب حداکثری منافع ملی دارند؛ بنابراین باید به وضعیت آنها و خانواده‌هایشان که به‌واسطه نقل مکان‌های مداوم و زندگی در کشورهای مختلف آسیب می‌بینند، رسیدگی بیشتری شود».

نشست همگفکی کمیسیون امنیت ملی برای بررسی مناسبات آمریکا و جمهوری اسلامی ایران شرکت کند. مجلسی‌ها از خرازی درباره عملکرد ایران در قبال مسائل خزر، فرصت‌های ازدست‌رفته و فقدان توجه به فضای عمومی سیاست خارجی سؤال داشتند.

وزیر اجرای دستورات



محمود احمدی‌نژاد بعد از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴، منوچهر متکی را به‌عنوان وزیر خارجه به مجلس معرفی کرد. او تا آذر ۸۹ وزیر ماند؛ اما درنهایت به شکل بی‌سابقه‌ای از مقام خود عزل شد؛ درست زمانی که در یک سفر دیپلماتیک بود. متکی حین مذاکره و ازسوی رئیس‌جمهور ستکال از عزل خود باخبر شد و دولت سنگال نیز این اقدام را توهین‌آمیز تلقی کرد، سفیر خود را از تهران فراخواند. متکی نیز در دوران وزارت خود از سوی مجلس بارها محل سؤال قرار گرفت؛ تا جایی که می‌گفتند او وزیر دستورات است نه وزیر خارجه! متکی از مجلس یک کارت زرد گرفت؛ اما نه به خاطر انتصاب‌های فامیلی یا اینکه توان ایستادگی مقابل دستورات احمدی را نداشت؛ ماجرا این بود که او در شهریور ۸۶ به مجلس رفت تا به سؤال ایلاس نادران درباره تلاش وزارت خارجه برای آزادی خبرنگار ایرانی بازداشت‌شده در ایتالیا پاسخ دهد. بحث به همایش پرسروصدا ایرانیان خارج از کشور و حواشی آن از جمله رقص مختلط و سرو مشروب کشید. متکی نتوانست نمایندگان را قانع کند و کارت زرد گرفت. او در اسفند ۸۸ نیز یک بار دیگر مورد سؤال قرار گرفت؛ این‌بار مسئله مشکل گردو غبار شدید در استان‌های جنوبی بود و متکی بعد از اینکه حضورش در صحن علنی را دو هفته به عقب انداخت، درنهایت توانست نمایندگان را قانع کند.

صالحی و چالشی به نام مشایی



پس از برکناری منوچهر متکی در آذر ۱۳۸۹، صالحی با حفظ سمت ریاست سازمان انرژی اتمی، به‌عنوان سرپرست وزارت امور خارجه ایران منصوب و به‌همین به‌عنوان وزیر پیشنهادی امور خارجه به مجلس معرفی شد. او توانست از مجلس رأی اعتماد دولت و وزیر خارجه شود؛ اما او نیز چالش‌هایی با مجلس داشت؛ مهم‌ترین این چالش‌ها مسئله دخالت مشایی در امور وزارتخانه تحت مدیریت او بود. صالحی که خرداد سال ۱۳۹۰ به دلیل انتصاب محمدشریف ملک‌زاده به سمت معاونت اداری و مالی، تا آستانه استیضاح مجلس رفته بود، مراد در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی پیش در پاسخ به سؤال احمد توکلی در رابطه با سفرهای خارجی مشایی گفت: او دخالتی در دستگاه سیاست خارجی و وزارت امور خارجه در زمانی که من وزیر بودم، نداشته است. دوران وزارت صالحی نیز با چالش‌هایی همراه بود که هر بار او را به مجلس کشاند و مجبور کرد درباره عملکرد خود گزارش دهد. به‌عنوان مثال، در شهریور ۹۱ درباره شانزدهمین اجلاس جنبش عدم تعهد و همچنین نتایج اجلاس فوق‌العاده سر کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی که در مکه برگزار شد، گزارش‌هایی را ارائه داد.

روزنه

مشکلات ساختاری وزارت خارجه



قاسم محبعلی

سفیر سابق مالزی

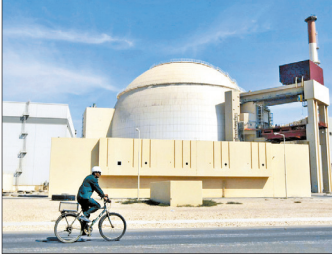
● عملکرد وزارت امور خارجه را در چهار سال گذشته می‌توان درمجموع مثبت ارزیابی کرد. آنچه مسلم است، بزرگ‌ترین دستاورد دستگاه دیپلماسی دستیابی به توافق هسته‌ای بود. بهبود روابط ایران و غرب به‌ویژه اروپای غربی، لغو تحریم‌های هسته‌ای و فراهم‌شدن امکان صادرات مجدد نفت و بازگشت پول‌های نفتی از جمله موفقیت‌های وزارت امور خارجه در دولت یازدهم بوده است؛ اما این وزارتخانه در بخش‌های دیگر موفقیت چندانی به دست نیاورده است.

توسعه روابط ایران و دیگر کشورها، خصوصاً کشورهای حاشیه خلیج فارس، روشن‌ترین مصداق این امر است. به اضافه اینکه هنوز در سوریه، یمن، بحرین و افغانستان، بحران‌هایی وجود دارد و حتی رو به گسترش است که نتوانسته‌ایم برای حل‌وفصل آن کاری کنیم. برای یک ارزیابی منصفانه باید در نظر داشت که با وجود مطلوب‌نبودن وضعیت روابط ایران و کشورهای عربی، وزارت امور خارجه در چهار سال گذشته همه تلاش خود را کرده است تا با همه اتفاقات، شرایط را مدیریت کرده و مانع از وخیم‌ترشدن روابط شود. نمی‌توان به ضعف دستگاه دیپلماسی در بهبود روابط ایران و کشورهای عربی پرداخت و نادیده گرفت که دولت یازدهم موفق نشد اختیار اداره امور در این حوزه را مثل مسئله هسته‌ای به صورت تمام و کمال به وزارت امور خارجه بسپارد. البته در مواردی نیز شاهد فعالیت گروه‌های خودسری بودیم که وزارت امور خارجه به‌سختی توانست از تبعات منفی آن بکاهد. به اعتقاد نگارنده دیگر نقطه ضعف وزارت امور خارجه که باید در دولت جدید مورد توجه قرار بگیرد، مشکلات موجود در ساختار وزارت امور خارجه است.

اغلب کارشناسان وزارت امور خارجه به مرز بازنشستگی رسیده‌اند و متأسفانه در دولت نهم و دهم جایگزینی‌هایی که متناسب با شان دیپلماتیک باشد، صورت نگرفت؛ بنابراین اکنون با این ضعف ساختاری مواجه هستیم. ظاهراً دولت یازدهم نیز توفیق زیادی در این سطح نداشته است و متأسفانه سطح کارشناسی و میانی در وزارت امور خارجه دچار بحران است. نباید فراموش کرد که وزارت امور خارجه به شخص وزیر منحصر نیست و بعد از معاونت‌ها و مدیرکل‌ها لایه‌های میانی نیز باید در سطح کارآمدی لازم باشند. سفرا و کنسول‌ها در خارج از کشور وظیفه سنگینی به عهده دارند و برای چرخش ماشین دیپلماسی ضروری است که در سطح لازم باشند.

خبر

واحد‌های ۳ و ۲ نیروگاه بوشهر در دست پیمانکاران ایرانی



● ایسنا؛ رئیس شرکت تولید و توسعه انرژی اتمی مبلغ قرارداد استقرار آزمایشگاه‌های روان‌شناسی و فیزیولوژی میان این شرکت و دانشگاه شهید بهشتی را چهار میلیارد تومان عنوان کرد. دکتر محمد احمدیان، رئیس شرکت تولید و توسعه انرژی اتمی در جمع خبرنگاران پس از امضای قرارداد استقرار آزمایشگاه روان‌شناسی و فیزیولوژی در پاسخ به سؤال ایسنا در رابطه با تضمین استانداردبودن کار کارشناسان و روان‌شناسان ایرانی در پروژه مذکور گفت: تنظیم این قرارداد حدود دو سال طول کشید و این به دلیل حساسیت‌های مدنظر شمامت. در جریان تنظیم قرارداد و گام‌هایی که برای اجرایی‌شدن آن برداشته شد، به دقت کارشناسی‌بودن و مهارت‌های روان‌شناسی در موضوعات هسته‌ای، به‌ویژه نیروگاهی مدنظر قرار گرفت. ما در جریان اجرای این پروژه از همکاری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بهره‌مند خواهیم بود و با توجه به نمونه‌هایی که در سال‌های قبل پیمانکار روس اجرا کرده است، کیفیت مطلوب کار برای همکاران ما شناخته شده است. او گفت: ما همکاران ما دریم دانشگاه شهید بهشتی می‌تواند با کیفیت خوب این کار را به انجام برساند. احمدیان درخصوص آخرین وضعیت واحدهای ۲ و ۳ نیروگاه بوشهر نیز گفت: کار از ابتدای سال ۹۵ شروع شد. سفارش ساخت برخی تجهیزات به پیمانکاران ایرانی داده شده است.